



سندی از انجمن اسلامی

پدیدآورده (ها) : شکوهی، برادران
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1373 - شماره 16
از 106 تا 109
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/98624>

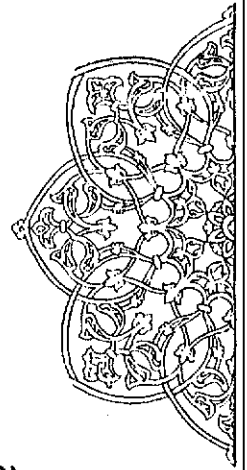
دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 28/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



سندی از «انجمن اسلامیّه»^(۱)

س. برادران شکوهی

[غیرت]: نه! شما تشریف نداشتید.
[انصاف]: حالا که آمده‌ام؛ بگو ببینم چه
واقع شده؟

غیرت: شریعت را پامال کردند.
انصاف: الله، الله؛ مگر علما تشریف
نداشتند؟

غیرت: آه، آه؛ بعضی از آنها را نفی بلد کردند؛
بعضی را خانه نشین نمودند؛ بعضی را در
روزنامه‌ها کافر نوشتند؛ به معتبرین آنها،
ابن ملجم^(۵) سیرت گفتند.

غیرت: الله، الله؛ ساداتی که خامی علما و
فداییان مذهب جَد خود بودند، چه شدند؟
انصاف: جایی که علما را چنین کنند،
سادات را می‌کشند!

غیرت: الله، الله؛ در شهر اسلام ذریه پیغمبر را
که کافران احترام می‌کنند می‌توان کشت؟
انصاف: آه، آه؛ بلی می‌کشند، سهل است،
تاراج می‌نمایند.

غیرت: الله، الله؛ این چه حرفی است؟ در کجا
اتفاق افتاده؟ در تبریز. کی؟ روز جمعه ماه
ذیحجه. الله، الله؛ جمعه عید مسلمین است.
ماه ذیحجه گوسفند می‌کشند. در این ماه
پیغمبر اکرم (ص) قتال و جدال را نهی
فرموده. آه، آه؛ مسلمانان ذریه پیغمبر خود را
کشتند؟ مگر نفرمود: اَنَّى تَارِكُ فَيْكُمُ
الَّذِينَ (۶). الله، الله؛ واقعه کربلا است؛ بلی
حکم نموده به محله شتریان یورش آورده،
تسوپ کشیدند، دم دروازه مردم را لخت
نمودند، سه [باب قهوه] خانه با دو باب
دکان خیابان به یغما^(۷) بردند؛ که‌ها^(۸)
بودند؟ جماعت کثیرا

غیرت: الله، الله؛ اولاد پیغمبر را در کجا
کشتند؟ آه، آه؛ در قهوه خانه آنجا چه
می‌کرد؟ چه می‌خورد؟ اهل دعوا بود؟ لا، و
الله! با چه کشتند؟ با گلوله! از چند جا؟ از
سه جا! الله، الله؛ بعد از کشتن نفت ریخته که
آتش بزنند! چه می‌گفت: می‌سوزانم. جَد
این در آخرت به من شفاعت نکند! الله، الله؛
دعوی آنها چه طور بود؟ یک نفر بهر^(۹)
چهار پنج نفر! بلی، زنبیل عرق با گیلان^(۱۰)

خانمان برانداز یازده ماهه، بین دولتیان و
مشروطه‌پیمان در این شهر ادامه داشت و
طرفین، همزمان با مبارزه مسلحانه، به مدد
نوشته‌ها و روزنامه‌ها، در صدد انعکاس
خواسته‌های خود و جلب مردم به سوی
خویش بودند. از آن جمله، اعلانی است
تحت عنوان: «سوال جواب انصاف از
غیرت» که به دست انجمن اسلامیّه پراکنده
شده و اینک، جهت آگاهی از مسایل
تاریخی و نظرات طرفین منازعه، به نشر آن
اقدام می‌گردد.

سؤال جواب انصاف از غیرت

لَيْتَكَ (۲) عَلَى الْإِسْلَامِ مَنْ كَانَ بَاكِيًا (۳)، فَقَدْ
هُدِمَتْ أَرْكَائُهُ وَعَالِمُهُ (۴).

انصاف: مگر چه واقع شده؟

غیرت: که در شهر اسلام تقیه لازم گشته!

[انصاف]: برای چه؟

غیرت: از برای گفتن حرف حق!

انصاف: آنکه غیرت مرده است.

در انقلاب مشروطه، انتشار اعلامیه،
منحصر به دولت نبود. هر حزب، سازمان،
انجمن و حتی هر کسی می‌توانست نیت
قلبی و عقیده خود را به کمک اعلامیه،
اعلان، رساله و ... چاپ و منتشر سازد.
چنانکه مدارس و جمعیت‌ها به نسبت حال
و مقال و توان و استعدادشان، به چاپ
آگهی، نوشته، خبرنامه، نظامنامه و
مرامنامه‌ها پرداخته و خواسته‌شان را موافق
و مخالف، به صور گوناگون بیان نموده و
عیان می‌ساختند.

سابقه این امر در تاریخ معاصر، از دوره
ناصری است. بررسی روند «منادی کردن» و
«جارزدن» و تبدیل آن به چنین نشریات
پراکنده و شبانه و روزنامه و اعلامیه و
اشتهارنامه و ...؛ تحقیقی است لازم و
ضروری که باید به طور دقیق صورت گیرد.
اما در این مختصر، آنچه منظور نظر ماست،
نشان دادن یکی از این اعلانات در اوایل
مشروطه در تبریز است؛ زمانی که جنگهای

سوالچا انصا از غیبت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَتَدُمَا مَتَّ اَزْكَانُهُ وَمَعَالِيَهُ اِنصا مکه و واقع شده غیبت
 که در شهر اسلام تقیه لازم گشته (برای غیبت) از برای گفتن حرف حق اِنصا آنکه غیبت مرده است
 نه شما تشریف نداشتید حال آنکه آمده ام بگویم بینم چه واقع شده غیبت شریعتی با مال کردن اِنصا
 الله الله مگر علمای شیعه نداشتند غیبت اه اه بعضی از آنها را نفی بلد کردند بعضی را خانه نشین نمودند
 بعضی را در روزنامه ها کافر نوشتند، بعضی از آنها این علم سیر نگفتند غیبت الله الله ساد اینکه جای
 علمای وفدائیان مذنب جد خود بودند چه شدند اِنصا جا نیکنه علمای را چنین کنند ساد است میکنند
 غیبت الله الله در شهر اسلام ذریه پیغمبر را که کافران احترام میکنند میتوان گشت اِنصا اه اه
 بی میکنند سهل است تا راجع مینمایند غیبت الله الله این چه حرف است در کجا اتفاق افتاده در بهترین
 کی روز جمعه ماه ذیحجه الله الله حج عید سال است ماه ذیحجه کوفت میکنند در این ماه پیغمبر اکرم
 قتال و جدال را نهی نموده اه اه علمای نادان در پیغمبر خود را گشتند مگر فرمود آله نار و کفیم
 الثقلین الله الله وضع کرد اسلحه نموده محله شتریان پورش آورده توبت کشیدند دم
 دروازه مردم را تحت نمودند سه باب کجی با دو باب دکان خیابان خانه به معنی بودند کجا بودند
 جماعت کثیر غیبت الله الله اولاد پیغمبر را در کجا گشتند اه اه در قهوج خانه انجامه میکرد
 چه میوز اهل دعوا بود لا والله با چه کنند با کوله از چند جا از سه جا الله الله بعد از گشتن شکست
 کرا قش برزند چه میگفت میگفت میسرانم جد این در اخوت بمن شفاعت کنید الله الله دعواهای آنها
 چه طور بود یک نفر بهر چهار بیغ نفر بل زنبیل عرق با کلاس و یک زنبیل منشنک برداشته بود عرق
 میداد بخوردند فشنک میداد نیانده اختند غیبت الله الله مگر اهل محله از بین خارج شده
 بود گاه زنان و اطفال چه بود نه سلمان بودند اِنصا پسر را غیبت برای خاطر چند نفر که
 با اهل محله مدعی بودند اِنصا اجرا بطهران نکران نکرند نکران خانه را که فشنک از راه یکایته
 مگر نیست خیر امتی است اِنصا مشروطه گرفته بودید که رفع ظلم و
 ترویج شریعت بنویسید و امر معروف و نهی از منکر بشود این منبر مشهوره نمودند

تکلیف چستین معلوم باید کرد این حکم از کیست حال چه بکنیم جوان غیور اهل
حمله را حفظ نمایند عقلا با علما شور کنند سادات و اهل شریعت متحد شوند از حضرت
حجت عجل الله فرجه استعانت طلبند از الله مع الحق انصاف پس

پراشما بولا اظهار نکرید غیبت و کلام چه بکنند جناب حاجی میر قریان که ذریه حضرت پیغمبر
جمله اظهار بعضی عرایض با سخن مقدس که خانه امن ملت مشروطه رفته بود از شش طرف تفنگ
نمود و عبا و ساعت بخارن برده اند انصاف مکر و کلام مشهور نداشتند غیبت چرا تشریف داشتند چه بکنند پیغمبرند
انصاف

از که تینند آنها که تفنگ بدین پیغمبر پیغمبر راست کرده بودند کیان بودند غیبت لامذهبن انصاف

اهل تبریز مسلمان هستند چنان کاری میکنند غیبت فقها نیز با بود انصاف الله الله در برابر

صد هزار مسلمان چطور مرتکب این عمل شدند بلکه دروغ است اینم شده انصاف نه والله انصاف

و کلام بر سینه راست میگویم کالتفین فی وسط السماء بود غیبت پس تکلیف چیست انصاف این

مرض شفا فارغ است مسلمانان مستول شده غیبت تفصیل ندارد با حضور چند نفر حکیم حاذق

تیرند انصاف ایله را تینفرماید اگر برین سراسر میهد کرد غیبت در ولایت مشروطه طیب جانان

جیل است پس چرا اقدام میکنند انصاف والله مسلمانان مند مشروطه نام نهاده اند غیبت

الله الله بذریه رسول هم مند مشروطه میتوان گفت انصاف بلیه حضرت سیدالشهدا حاجی نام

نهاده کشتند غیبت حضرت سیدالشهدا اتمام حجت فرمودند خریاست که شما هم متابعت جدمتان بنائید

انصاف مکر اتمام حجت نمود دادند غیبت چه طور اتمام حجت نموده اند انصاف هزاران بار گفته اند

که ما مشروطه میخواهیم قتل نفس را میخواهیم غیبت آنها کیان هستند که در قانون مشروطه قتل واجب

میدانند که باعث نافع بشود انصاف اول عرض شد لامذهبن بمصداق من تشبیر بقوم فهو

ینه آنها کیان هستند که خود را بقوم علیه تشبیه میکنند انصاف اظهار من الشمس است قیفا زینما

غیبت پس جوایت مسلمانان بحضرت حجت عجل الله فرجه شکایت نمایند و شاهد قرار بدهند

که ما مشروطه هستیم و راضی بقتل نفس نیستیم و طالبان هستیم مشروطه طلبیم مشروطه خواهانیم مشروطه طلبیم

مشروطه میخواهیم مشروطه میخواهیم اکبر اور بکنید عرض نمائید یا جداه و یا حجت الله یا صاحب الزمان

عجل الله فرجه آه مسلمانان غیبت کیند غیبت کیند اتفاق اتحاد کیند ملتک فت مذهب فت اسلام رفت

مشروطه طلبیم